خاندان كاشف الغطا و آثار علمى ايشان

دكتر عباس كاشف الغطا

دكتر عباس كاشف الغطا از فضلاى حوزه نجف اشرف و از نوادگان علامه شيخ جعفر كبير (كاشف الغطا) است. دروس سطح عالى (خارج فقه و اصول) را نزد استادان بزرگ نجف به پايان برده و دكتراى خود را با عنوان (مال مثلى و قيمى در مذاهب اسلامى) از دانشگاه بغداد دريافت كرده است. وى از پژوهشگران برجسته حوزه نجف است و براى احياى ميراث گران قدر شيعه در نجف اشرف, كوشش و اهتمام مى ورزد. آنچه مى خوانيد, گفت و شنودى است كه در ديدار با ايشان به دست آمده است.

(پژوهش و حوزه)

پژوهش و حوزه:ضمن تشكر از حضرت عالى كه اين وقت را در اختيار ما گذاشتيد, در آغاز از جدّ شريفتان شيخ جعفر كاشف الغطا و مقام علمى ايشان, نيز علماى آل كاشف الغطا به اختصار سخن بگوييد.

ْ بسم اللّه الرحمن الرحيم و به نستعين. مكتب اصولى اماميه در زمان شيخ كبير, شيخ جعفر كاشف الغطا, از نقاط روشن و درخشان انديشه اصولى اماميه به شمار مى آيد; چون امتداد و ادامه مكتب وحيد بهبهانى شمرده مى شود; مكتبى كه به ژرف انديشى عقلى معروف است. شيخ جعفر كاشف الغطا, تمامى آراى خويش را بر واقع پايه ريزى مى كرد, چه در تشخيص موضوعات و چه تبيين و مشخص كردن مفهوم الفاظ شرعى. او فقيه زمان و عصر خود بود و تمامى آرا و نظريه هايش برگرفته از اوضاع و احوالى بود كه در آن مى زيست. وى مبتكر مباحث جديدى مانند مبحث (ترتّب) است كه انتساب آن به شيخ جعفر شهرت يافته است. همچنين كتابى در اصول با عنوان غاية المأمول فى علم الاصول منتسب به وى است كه اگر خدا بخواهد آن را تدوين و چاپ مى كنيم. اين اثر از كتاب هايى است كه در (سى دى نسخه هاى خطى كتابخانه عمومى كاشف الغطا)\* موجود است.

پس از شيخ جعفر كاشف الغطا, فرزندش شيخ على در مباحث اصول شهرت يافت. وى استاد شيخ انصارى بود و شيخ مرتضى انصارى از محضر او بهره فراوان برد. شيخ انصارى درباره جايگاه اصولى خاندان كاشف الغطا سخنى دارد كه در ميان عالمان و فقيهان اماميه مشهور گشته است. وى مى گويد: (هر كس مقدمه كشف الغطا را كه مقدمه اى اصولى است, بفهمد و حفظ كند, در نظر من مجتهد است). اين گفته شيخ, از مقام و مكتب اصولى خاندان كاشف الغطا حكايت دارد. البته بايد ياد آور شوم كه مكتب اصولى اماميه از جانب انديشمندان شيعه در هر زمانى ادامه و استمرار داشته و اختصاص به عالمان آل كاشف الغطا ندارد. بزرگانى چون شيخ انصارى ـ كه مايه سرافرازى تشيع و مجدّد مكتب اصولى بود ـ همچنين شيخ نايينى, آقا ضياء عراقى, آخوند خراسانى, آيت اللّه خويى و شهيد سيد محمد باقر صدر در بالندگى و پويايى اين مكتب اصولى نقش به سزايى داشته اند ; اما چون خواستيد درباره عالمان خاندان كاشف الغطا بگويم, سخن را در اين باره ادامه مى دهم.

وقتى دست نوشته هاى عالمان آل كاشف الغطا را بررسى مى كردم, اثر مهمى از شيخ على, فرزند شيخ كبير, با نام خيارات يافتم كه اخيراً به شكلى وزين در جمهورى اسلامى ايران به چاپ رسيده است. همچنين شيخ على, اثرى در (حجيت ظن) دارد كه به اعتقاد من شيخ انصارى از اين اثر آگاه بود و در تنظيم و تأليف رسائل از آن استفاده كرده است.

از شمار كتب اصولى علماى آل كاشف الغطا, اثر مهمى است كه به صورت دست نوشته از شيخ محمد حسين كاشف الغطا برجاى مانده است, اين اثر درباره حكم ظاهرى واقعى است, و هنوز به صورت نسخه خطى است و چاپ نشده است. از ديگر كتاب هاى اصولى خاندان كاشف الغطا كتاب الأحكام اثر مرحوم والدم, شيخ على, است كه آن را در شش جلد تدوين كرده است. اين كتاب را هم در سى دى كتب خطى كتابخانه عمومى كاشف الغطا قرار داده ام. مرحوم والد در اين اثر, شيوه خاصى در مباحث علم اصول ارائه نموده و مباحث را در چهار عنوان تقسيم كرده است: حاكم, محكوم به, محكوم فيه و حكم. او تمامى مسائل اصول را در اين عناوين چهارگانه وارد كرده كه تقسيمى جديد و مبتكرانه در مكتب اصولى اماميه است. همچنين ايشان كتاب مفصّل ديگرى درباره اصول با نام تعارض و تعادل و تراجيح دارند. مرحوم والد نظرشان اين بود كه مسئله تعارض و تعادل و تراجيح, مسئله حقيقى علم اصول بوده و ديگر مسائلى كه در كتب اصولى بحث مى شود, منسوب به علم اصول است.

كتاب ديگرى نيز از مرحوم والد در دو جلد, چاپ شده كه در باره مصادر و منابع حكم شرعى است. در اين كتاب از تمامى مصادر و ادله شرعى و قانونى كه براى استنباط حكم به كار آمده, بحث شده است. همچنين منابع تشريع ديگر مذاهب اسلامى مثل سدّ ذرائع, مصالح مرسَله, شرع پيش از ما و قياس را مطرح كرده, نظر مكتب اصولى اماميه را درباره اين منابع بيان نموده و جايگاه مكتب اصولى اماميه را در ميان منابع اهل سنت و كتاب هاى حقوقى ديگر نشان داده است.

كتاب ديگر مرحوم والد النور الساطع فى الفقه النافع نام دارد كه در چاپخانه الآداب, سال 1961م چاپ شده است. اين كتاب داراى دو جلد است: موضوع جلد اوّل اجتهاد است كه به تفصيل درباره اجتهاد سخن گفته و بحث ولايت فقيه را نيز مطرح كرده است. ايشان نخستين كسى است كه تحت عنوانى مستقل بدين بحث پرداخته است. جلد دوم درباره تقليد است. به نظر مى رسد, اين كتاب بزرگ ترين دائرة المعارف فقهى است كه تفصيلاً به بحث اجتهاد و تقليد پرداخته است.

از خداوند متعال مسئلت دارم به جاه و شوكت امير مؤمنان(ع) كه به جوار او پناه برده ايم, خاندان آل كاشف الغطا همچنان بتوانند داده هاى فقهى و اصولى خود را ادامه دهند, چنان كه شيخ اكبر, شيخ جعفر كاشف الغطا, در زيارت بيت اللّه الحرام از خدا درخواست كرد. همراهان ايشان, يعنى مرحوم سيد مهدى بحرالعلوم و سيد محمد جواد عاملى (صاحب مفتاح الكرامه) و برخى ديگر از عالِمان و فقيهان بزرگ شيعه نقل مى كنند كه شيخ جعفر داخل بيت اللّه الحرام شد و چنين دعا كرد: (خدايا, خاندان و ذريه ام را بى فقيه مگذار!) سيد بحر العلوم به او گفت: (اى شيخ: خدا دعايت را مستجاب كرد) اين قضيه در كتاب قصص العلماى تنكابنى و عبقات العنبرية لطبقات الجعفرية شيخ محمد حسين كاشف الغطا و روضات الجنات خوانسارى نوشته شده است. روايتى هم در اين باره وجود دارد كه مضمونش چنين است: (وقتى حاجى براى اولين بار وارد بيت اللّه الحرام شود و پرده كعبه را چنگ زند و دعاى اوّلش را بگويد, خداوند دعايش را مستجاب مى كند).

پژوهش و حوزه: لطفاً استادان پدر بزرگوارتان را معرفى و اندكى درباره آن ها توضيح دهيد.

ْ برترين استاد ايشان, شيخ كاظم شيرازى(ره) بود كه پدرم در تمامى دست نوشته هايش ايشان را مى ستايد. شيخ كاظم شيرازى مكتب مشهورى داشت و از بهترين استادان حوزه علميه در علم اصول بود. در نجف اشرف هر استادى داراى خصوصيت و شيوه اى معيّن بود; شيخ نايينى به ابداع قواعد و ديدگاه هاى جديد مشهور بود و آيت اللّه خويى به ابتكار در آرا و اظهار و آشكار كردن ويژگى هاى آرا; اما شيخ كاظم شيرازى در نقد و اعتراض به تمامى آرا معروف بود. وى مردى منتقد و مخالف همه چيز بود. در درس ايشان فقط كسانى حاضر مى شدند كه داراى توان منطقى و قدرت محاوره و مناظره بودند. درس ايشان مناظره و مجادله بود. در اين باره روزى از پدرم شنيدم:

ميان شاگردان شيخ كاظم شيرازى بحث در گرفت كه آيا در درس حضور يابند و يا نه ; آنان هم رأى شدند كه در صورت حضور پدرم(شيخ على كاشف الغطا) در درس حاضر نشوند ; چون بين ايشان و استادش (شيخ كاظم شيرازى) بسيار مناقشه مى شد و شاگردان كمتر به درس مى رسيدند ; اما اگر پدرم نمى آمد, اينان حاضر بودند در درس حضور يابند ; پس به خانه والد آمدند و در خواست كردند در درس حاضر نشود, چون اينان در اكثريت بودند, والد خواسته آنان را برآورد و از حضور در درس سر باز زد. پس از سه روز شيخ كاظم شيرازى پرسيد: شيخ على كجاست؟! شاگردان گفتند: ميان خود توافق كرديم يا او در درس حاضر شود يا ما ; چون بسيار مجادله و مناقشه و اعتراض مى شد و فايده اى براى درس نمى ماند. شيخ كاظم شيرازى به آنان فرمود: همه شما حاضر نشويد ; اما شيخ على بيايد ; چون آينده درخشانى دارد. اوست كه درسم را مى فهمد. اين حكايت نشانگر عنايت ويژه ايشان به شاگردش است. شيخ كاظم شيرازى تمامى آرائش را در آثارش آورده است. از حاشيه اش بر مكاسب ـ كه چاپى قديمى در نجف دارد ـ مى توان دقت عقلى و علمى اش را ملاحظه كرد.

پژوهش و حوزه: آيا والدتان در درس هاى ديگر شركت كرده است ؟

ْ خيلى كم نزد سيد ابوالحسن اصفهانى درس خواند با اين حال, سيد ابوالحسن اصفهانى ايشان را به (مجتهد صغير) ملقّب گردانيد و به او اجازه اجتهاد داد.

پژوهش و حوزه: در چه سالى به تدريس سطح و دروس عالى و بحث خارج اصول پرداخت ؟

ْ شيخ والد, از بهترين استادان معقول بود. ايشان استاد شيخ احمد وائلى در تجريد الإعتقاد بود, نيز استاد سيد جمال خويى و شيخ باقر قَرشى و برادرش شيخ هادى قرشى بوده است.

شيخ والد, دائرة المعارف بود و در ادبيات عرب, اصول, منطق و فقه داراى تأليفاتى است. او در بالاترين مكتب فقهى رشد كرد. معروف بود كه وى از استادان مشهور حوزه است. هر كه شرح حال اَعلامى مانند آيت اللّه خويى و سيد ابو الحسن اصفهانى را نوشته, گفته است: مجتهد, شيخ على كاشف الغطا, مدرّس حوزه علميه بوده و درسش مشهور است.

پژوهش و حوزه: در درس پدرتان حضور داشتيد ؟

ْ حضور نداشتم ; من از شاگردان آيت اللّه سيستانى هستم.

پژوهش و حوزه: والد مكرمتان به جز تبويب و تدوين جديد در علم اصول, كار جديد ديگرى دارند ؟

ْ وى آثار فقهى اش را, بر خلاف رساله هاى عمليه, نوشته است كه از طريق سى دى كتب كاشف الغطا مى توانيد شيوه درست نگارش و اسلوبشان را بيابيد. در رساله اش مقدمه اى مختصر ـ به مقدارى كه يك مكلف نيازمند است ـ در باره اصول دين نوشته, سپس مسائل فقهى طهارت و نماز را نگاشته است. وقتى به كتاب الصلاة ايشان ـ كه در قم موجود است ـ مراجعه مى كنيد, در آغاز از نماز در اديان گذشته گفته, بعد به معناى لغوى صلاة اشاره كرده, آن گاه از تاريخ تشريع نماز سخن گفته, سپس فضيلت نماز را بر شمرده و در آخر وارد احكام نماز مثل احكام وقت و كم و زياد كردن اجزاى نماز شده است. ايشان به شيوه متداول رساله هاى عمليه ـ يعنى ذكر مسئله و پاسخ ـ عمل نكرده, بلكه به شيوه اى ديگر نوشته است. حتى اجدادم (شيخ احمد كاشف الغطا يا شيخ محمد حسين كاشف الغطا و يا شيخ هادى كاشف الغطا) ابداً به شيوه كتاب هاى سنتى نمى نوشتند. اين مطلب را مى توان از سى دى ياد شده فهميد ; چون تمامى كتب كاشف الغطا در آن گرد آورى شده است, به طور مثال: شيخ هادى, رساله عمليه را طبق عناوين معيّن و فراگير به احكام مالى, احكام شخصى و احكام عبادى تقسيم كرده است. او شيوه سنتى را كه از نماز شروع و به ديات ختم مى شود, دنبال نكرده است. افزون بر اين, فقهاى آل كاشف الغطا گذشته از اجتهادشان, عالم لغت و ادب بودند و در كتاب هايشان نكات ادبى ديده مى شود. عروة الوثقى كه رساله سيد كاظم يزدى است و عبارت هايش در بلاغت و ساختار بهترين عبارت ها است, به دست سه شخص از خاندان كاشف الغطا نوشته شد: شيخ محمد حسين كاشف الغطا, سيد حسين كربلايى و شيخ احمد كاشف الغطا (برادر شيخ محمد حسين, نگارنده سفينة النجاة). اينان وصى ّ سيد كاظم يزدى بودند و سيد كاظم فتواهايش را به آنان مى داد و آن ها فتوا را به شكلى استوار و فصيح تدوين مى كردند. نخستين كسانى كه بر عروة الوثقى تعليقه زدند, شيخ محمد حسين و شيخ احمد هستند. در آخر اين تعليقات, چگونگى تأليف عروة الوثقى و اين كه چه كسانى عبارات و جملات آن را بدين شيوه محكم و رسا نگاشتند, آمده است.

شيوه شيخ والد اين بود كه هر گاه مى خواست درباره موضوعى بنگارد, آن را به خوبى مى پروراند و با احاطه و چيرگى كامل مى نگاشت. وقتى نقد آراى منطقى را مى نوشت, گفته مى شد آخرين كتاب در اين باره است و هنگامى كه در اجتهاد و تقليد قلم مى زد, احساس مى شد بزرگ ترين كتابى است كه در اين باره تأليف شده است.

پژوهش و حوزه: از آثارى كه در سى دى موجود است بگوييد, آيا اثر منطق ايشان, در اين سى دى هست؟

ْ سى دى, تمامى كتب كاشف الغطا را در بر دارد. آنچه ذكر كردم, بعضى كتاب ها بود. كتاب هاى موجود در سى دى يكصد و دو عنوان است و گاه يك عنوان داراى پنج يا شش جلد است. هنوز مشغول وارد كردن دست نوشته ها در اين سى دى هستم و از خداوند مى خواهم در تكميل آن يارى دهد !

پژوهش و حوزه: آيا تنهايى به اين موفقيت بزرگ ـ يعنى وارد كردن كتاب ها در سى دى به منظور احياى ميراث علمى, فرهنگى آل كاشف الغطا ـ دست يازيده ايد ؟

ْ پس از آن كه درس را در مرحله دكترا به پايان رساندم و درجه دكترا را با رساله (نظريه مال مثلى و قيمى در فقه اسلامى) گرفتم, به نجف برگشتم و كتابخانه هاى نجف را ـ به ويژه كتابخانه هاى شخصى علما را ـ در حالت نامناسبى يافتم. ما وسايل و ابزارى را كه بتوانيم نسخه هاى خطى به ارث رسيده از نياكان و پدرانمان را حفظ و نگهدارى كنيم نداشتيم. بنابراين تصميم گرفتم دست نوشته هايى را كه از پدران و نياكان خود در كتابخانه آل كاشف الغطا به ارث برده بودم, وارد سى دى كنم. مى دانيد كه نسخه هاى خطى و دست نوشته در نجف, بيشتر از كتب چاپى است. نجف گنجينه اى است كه از مخطوطات خالى نمى ماند و مركز ثقل بزرگ تشيع است. على رغم تنگناهاى مادى و مسائل امنيتى كه از هر طرف و هر جا ما را محاصره كرده بود, توانستيم در مكانى متروك, شبانه روز كار كنيم. كارى به مردم نداشتيم و مردم نيز ما را نمى شناختند, هر چند خانواده و فرزندانمان نگران بودند و بر جان مان مى ترسيدند ; تمام همت و تلاش خود را در تبديل اين نسخه هاى خطى به نرم افزار به كار بستيم. گروهى از حوزه علميه اين برنامه را تأييد كردند و به ما تبريك گفتند ; اما گروهى ديگر با ما مخالفت نموده و گفتند: (شيخ از بغداد آمده, مى خواهد حوزه و اذهان طلبه را با وارد كردن دستگاه كامپيوتر خراب كند). ما اولين كسانى بوديم كه كامپيوتر را وارد حوزه علميه نجف كرديم و از نخستين كسانى بوديم كه داراى رايانه و اسكنر بودند.

به هر روى, به بركت امير مؤمنان(ع) و پس از دو سال كار شبانه روزى و با مشورت و كوشش برخى برادران براى آموزش اطلاعات و برنامه هاى ويژه, خداوند كمك كرد و توانستيم مخطوطات را حفظ كنيم. سى دى نخست در ساعت چهار صبح آماده شد و پس از آن كه از كار كرد آن اطمينان حاصل شد, آن را به حرم امير مؤمنان(ع) بردم و در ضريح انداختم. پس از آن, به كار ادامه داديم تا سى دى ششم و هفتم نيز آماده شد. خيلى ها وقتى كه از كار ما آگاه مى شدند, آن را نمى پذيرفتند و ما را از كار با كامپيوتر بر حذر مى داشتند. بعد از آن كه شمارى از سى دى ها آماده شد, شبانه كامپيوتر را با سى دى به نزد بزرگان و مراجع مى برديم و آنان با مشاهده اين اقدام مبارك آن را تحسين مى كردند. اين امر, بسيارى از مراجع, فقها و فضلاى حوزه را نسبت به تهيه و استفاده از كامپيوتر ترغيب نمود كه برايشان دستگاه خريديم و چگونگى استفاده از آن را آموزش داديم. من اين كار را براى خدمت به شيعه انجام دادم و معتقدم هيچ ابزارى مانند كامپيوتر به تشيّع خدمت نكرده است. ما حدود هزار و دويست نسخه خطى دست نوشت را تا سال 1999م تبديل به سى دى كرديم.

پژوهش و حوزه: آيا اين مخطوطات فقط از كتابخانه كاشف الغطا هستند يا از كتابخانه هاى ديگران هم مى باشند ؟

ْ برخى نسخه ها از كتابخانه هاى ديگر است. به بعضى برادران مبالغى مى داديم تا نسخه هاى خطى را براى ما بياورند, بعد از آن كپى تهيه كرده, جلد مى كرديم. تمام اين كارها مخفيانه بود. حدود بيست نفر بوديم كه در اتاق مى خوابيديم و همان جا غذا مى خورديم و كسى مطلع نبود. صبح يكى از روزها حدود هشتاد مرد مسلّح از سازمان امنيت به ما حمله كردند و من و سه برادر معمم و خواهر زاده ام(فرزند كرباسى) را دستگير كردند و دستگاه ها و نسخه هاى خطى را مصادره نمودند. آن ها ما را به سازمان امنيت بردند و قضايايى پيش آمد; اما به بركت امير مومنان ـ صلوات اللّه و سلامه عليه ـ و عالمانى كه مخطوطاتشان را حفظ كرده بوديم, فرجى حاصل شد و اين جريان به خير و خوبى گذشت. اكنون كه نظام صدام سقوط كرده ـ الحمد للّه ـ كار خود را در مدرسه به صورت علنى از سر گرفته ايم و با خريد دستگاه به كار و خدمت خود ادامه مى دهيم. ما در نمايشگاه كتاب هم شركت كرده ايم. سى دى هايى را توليد كرده ايم نمى فروشيم و اين كار را حرام مى دانيم. ما تمامى اين نسخه هاى خطى را كه به سى دى تبديل كرده ايم, به هر مؤسسه اى كه استفاده كند ـ قربة الى اللّه ـ هديه مى دهيم.

تا كنون توانسته ايم نزديك به 68 سى دى توليد كنيم كه در بر دارنده بيش از 1650 نسخه خطى است. اين كار هنوز ادامه دارد. كار ديگرى كه كرده ايم, تهيه (ميكروفيلم) است كه شامل حدود پنج هزار اثر خطى است. اگر خدا توفيق دهد و اسكنر دقيقى فراهم كنيم, مى توانيم اين ميكروفيلم را هم به سى دى تبديل نماييم. البته پيش از اين, با كمك برادران لبنانى اسكنر (اپسون) كه اسكنر خوبى است فراهم آورديم و يك ماه با آن كار كرديم ; اما وقتى دستگير شديم, آن را از ما گرفتند.

پژوهش و حوزه: آيا با مراكز علمى قم يا ديگر شهرهاى ايران ارتباط داريد؟

ْ مى دانيد كه در اين خصوص, ما تازه كارمان را آغاز كرده ايم. در آن زمان كه تاريكى و اختناق رژيم همه جاى عراق را فرا گرفته بود, از تبليغات و ارتباط با شما خبرى نداشتيم. تازه چند ماه بيشتر نيست كه خداوند ما را از تاريكى و آن وضع اختناق آميز رهانيده و مى توانيم خواسته هايمان را بگوييم. در زمان رژيم سرنگون شده صدام نمى توانستيم حرف بزنيم و شما را ببينيم ; چه رسد به اين كه با شما صحبت كنيم ; وضع كنونى تازه پيش آمده, پيش تر نبود.

پژوهش و حوزه: مايليد از ايران و حوزه قم ديدار كنيد ؟

ْ من آمادگى دارم بى هيچ چشم داشت, ميراث شيعى نجفى اماميه را به هر مركز كه مايل باشد, تقديم كنم ; چه از طريق شما يا هر مجموعه ديگر. شما هم به نيت خدمت به امام على بن ابى طالب(ع) آن را تحقيق كنيد و چاپ نماييد. ما چشم داشتى نداريم, بلكه مى خواهيم به حوزه نجف خدمت كنيم. من اكنون با حوزه علميه مرتبط هستم و درس و تدريس دارم. افزون بر اين, خداوند بر من منت نهاده و در حال حاضر, دانشگاه اسلامى و دانشكده شريعت و قانون را در شهر نجف اشرف تأسيس كرده ام و در آن جا درس مى دهم. از خداوند مسئلت دارم در فرصتى نزديك زيارت امام على بن موسى الرضا(ع) را نصيبم كند.

پژوهش و حوزه: شما به تنهايى, اين مؤسسه بزرگ را اداره مى كنيد ؟

ْ اين كار ما نيست, بلكه امداد و لطف امير مؤمنان(ع) است كه شايسته نجف مى باشد. هيچ مجتهد و فقيه و مرجعى نيست كه به درس خواندن در نجف افتخار نكند. پدران و نياكانمان به ما آموخته اند در محله هاى نجف جز با وضو راه نرويم. از خداوند مسئلت دارم حوزه نجف با همان شهرت, درس, استادان, كيان و دهش پيشينش به جامعه تشيع برگردد. وضع [سابق و] كنونى بدترين مقطعى است كه بر سر تشيّع در نجف گذشته است.

پژوهش و حوزه: آيا ورود شما به دانشگاه به خواست پدرتان بود؟

ْ ما خاندان آل كاشف الغطا, در درس خواندن مشهوريم و افزون بر درس هاى مكتب اماميه, مذاهب ديگر را نيز مى آموزيم. شيخ محمد حسين در (الازهر) حضور يافت و پدرم در زمان جمال عبدالناصر هفت سال در (مجمع البحوث الإسلامية) در مصر بود, همچنين براى شركت در كنگره ها به كشورهايى نظير پاكستان و هند مسافرت مى كرد. حتى شيخ جعفر كبير به بغداد رفت و نزد استادان سنى درس خواند. در باره ما مشهور است فقط به يادگيرى اسلام بسنده نمى كنيم, بلكه ديگر اديان را هم مى آموزيم; چنان كه من تورات و انجيل را آموختم و با آن ها آشنا شدم و چگونگى گرد آورى و شمار انجيل ها و سفرها و صحاح موجود را مى دانم.

در منطقه (كفل) نزديك كوفه كه معروف به نيل است و حضرت (ذوالكفل) در آن جا مدفون است, يهوديان سكونت داشتند. آنان از شيخ جعفر كاشف الغطا كه مدت بسيارى از عمرش را براى يادگيرى تورات و فراگيرى زبان يهوديان گذرانده بود و زبان عربى مى دانست, خواستند تا با آن ها مناظره كند. ايشان هم با پذيرش خواسته عالمان يهودى اين منطقه با آن ها به مناظره برخاست. اين حادثه مشهور است كه عالمان يهودى به شيخ جعفر گفتند: آيا پيامبرتان نمى گويد: (عالمان امتم بهتر از پيامبران بنى اسرائيل اند؟) شيخ به آنان گفت: همين طور است. يهودى ها گفتند: اگر شما از عالمان امت اسلاميد و بهتر از پيامبران بنى اسرائيل, پيامبر ما حضرت موسى, عصايش را مى انداخت و اژدها مى شد, آيا شما مى ôوانيد مانند اين كار را انجام بدهيد؟ شيخ ـ كه نام پسر بزرگش موسى بود, به آنان گفت: من هم ابوموسى هستم و سپس عصايش را انداخت و اژدها شد. در نتيجه اين مناظره تمامى علماى يهودى از منطقه (كفل) كوچيدند و شهر (كفل) از آن زمان به بعد, شهرى شيعه نشين شد.

من نزد آيت اللّه سيستانى ـ حفظه اللّه ـ درس خوانده ام. ايشان در درسش آراى مذاهب ديگر و حتى آراى قانون دانانى مانند (سنهورى) را از كتاب مصادر الحق و مصادر الفقه الاسلامى نقل مى كرد. من باور دارم كه هر يك از شخصيت هاى مذهب اماميه فقه مقارن با مذاهب ديگر را نوشته, از افراد برجسته مكتب اماميه بوده و هر كه مذاهب ديگر را آموخته, قدرت و توان علمى او افزايش يافته است. اين شيوه ما و مكتب نجف بوده و از ويژگى هاى مكتب نجف است كه مذاهب ديگر هم در آن جا خوانده مى شود. من با استفاده از اين ويژگى حوزه نجف و از راه درس خواندن در اين مكتب, با كتب فقهى حنفى ها و مالكى ها و اماميه آشنا شدم و در رساله دكترايم با موضوع (مال مثلى و قيمى) تمامى آراى مذاهب اسلامى مالكى, شافعى, حنفى و حنبلى را به صورت مقارن (وتطبيقى) نوشتم و برترى فقه اماميه بر فقه مذاهب ياد شده را در ژرف انديشى, ريز بينى و دقت علمى در طرح مسائل فقهى بيان كرد.

پژوهش و حوزه: از شما بسيار سپاسگزاريم كه امكان اين گفت وگو را فراهم ساختيد.

پى نوشت:

\* سى دى هاى ياد شده در اين گفت و گو, در بخش (راهنماى نسخه هاى خطى كتابخانه كاشف الغطا) آمده است.